

## مبانی فقهی حفظ مرزبندی با دشمن و ارزش‌های انقلابی و ملی

□ محمد قاسمی \*

### چکیده

بیانیه گام دوم انقلاب در چهل سالگی پیروزی انقلاب اسلامی و در آستانه ورود به دهه پنجاه، از سوی ولی‌امر جامعه اسلامی صادر گردید. این بیانیه به لحاظ محتوایی در بردارنده محورهای مختلفی است که -ضمن ترسیم وضعیت موجود جمهوری اسلامی به لحاظ خارجی و داخلی، نقشه راه و حرکت جامعه اسلامی در مسیر پیشرفت و تعالی جامعه اسلامی را ترسیم می‌کند. بیانیه گام دوم، مشتمل بر ۷ سرفصل کلی است. نظر به اینکه آنچه از سوی ولی‌امر در مسیر تحقق پیشرفت جامعه ترسیم می‌شود، برای یکایک افراد جامعه الزام‌آور تلقی می‌شود، پرسش از مستندات (مبانی) فقهی آن، امری غریب نبوده و بلکه تبیین مستندات فقهی فصول هفت‌گانه‌ی این بیانیه ضروری می‌نماید. مستندات فقهی مرزبندی با دشمنان و حفظ ارزش‌های انقلابی و ملی -که بخشی از سرفصل ششم از این بیانیه است-، مساله تحقیق حاضر قرار گرفته است. در این راستا ضمن تحلیل ماهیت دشمن، با روش توصیفی- تحلیلی، مؤلفه‌های مرزبندی با دشمن و حفظ ارزش‌های انقلابی و ملی -یعنی عدم سازش و اطاعت، عدم اعتماد، استقلال طلبی و حمایت از مستضعفان در برابر دشمن- را به بحث گذاشته شده و تأکید می‌کند که باید همت جامعه‌ی اسلامی بر حفظ ماهیت دینی -یعنی تمسک علی‌الدوام بر ولایت الهی و نفی طاغوت- باشد.

**کلیدواژه‌ها:** بیانیه گام دوم، مرزبندی با دشمن، حفظ ارزش‌ها، ارزش‌های انقلابی و ملی.

---

\* دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و دکتری فلسفه سیاسی، پژوهشگر فقه سیاسی مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم‌السلام).

## مقدمه

بیانیه گام دوم انقلاب، در چهل سالگی پیروزی انقلاب اسلامی و در آستانه ورود به دهه پنجاه توسط زعیم و رهبر عالی‌قدر جمهوری اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ تبیین و ابلاغ گردید. این بیانیه از یک سو حامل این پیام به دشمنان جمهوری اسلامی است که پس از چهل سال تلاش‌های همه‌جانبه برای از میان برداشتن آن، نه تنها کماکان به قوت باقی است؛ بلکه قویتر و مستحکم‌تر از قبل شده است؛ از سوی دیگر و به لحاظ محتوایی در بردارنده محورهای مختلفی است که -ضمن ترسیم وضعیت موجود جمهوری اسلامی به لحاظ خارجی و داخلی- نقشه راه و حرکت جامعه اسلامی در مسیر پیشرفت و تعالی جامعه اسلامی را ترسیم می‌کند. این بیانیه مشتمل بر ۷ سرفصل کلی است؛

«به شما فرزندان عزیزم در مورد چند سرفصل اساسی توصیه‌هایی می‌کنم. این سرفصل‌ها عبارتند از: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سبک زندگی». (بیانیه‌ی گام دوم انقلاب)

نظر به اینکه سرفصل‌های بیانیه گام دوم به عنوان نقشه راه از سوی ولی امر جامعه اسلامی ابلاغ شده است؛ بر صاحبان مناصب سیاسی و امت اسلامی فرض است که این اصول و سرفصل‌ها را مطمح نظر خویش قرار داده و در عرصه سیاست داخلی و خارجی بر آن‌ها پایبند باشند. فارغ از آنکه سرفصل‌های مطرح در بیانیه‌ی مذکور -خصوصاً سرفصل ششم- مورد تأیید عقل و عقلا بوده و منطبق با اصل چهاردهم<sup>۱</sup> و یکصد و پنجاه و دوم<sup>۲</sup> قانون اساسی است، مستند به ادله نقلی نیز می‌باشد. سخن به گزافه نیست اگر بگوییم محورهای یاد شده از قبیل «قضایا قیاساتها معها» است. در عین حال سرفصل‌های یاد شده مستنبط از متون قرآنی و روایی نیز، می‌باشد. بنابراین سرمشق قراردادن محورهای مطرح در بیانیه گام دوم، پیش از آنکه از ناحیه لزوم اطاعت از ولی امر، وجوب و الزام یابد، از ناحیه دستورات مستقیم شرع مقدس الزام‌آور است. این امر بیانگر اهمیت و ضرورت تبیین و بررسی مستندات فقهی بیانیه مذکور -خصوصاً در عرصه بین‌الملل- خواهد بود.

مقاله‌ی حاضر از میان سرفصل‌های مطرح در بیانیه گام دوم، سرفصل ششم از این بیانیه را مورد توجه قرار داده است. این سرفصل خود به سه محور تقسیم می‌شود؛ عزت ملی،

روابط خارجی و مرزبندی با دشمن. اگر چه این سه محور ارتباط تنگانی با یکدیگر دارند، در عین حال پرداختن تفصیلی به هر سه محور از عهده‌ی یک مقاله خارج است. بنابراین تمرکز اصلی مقاله بر محور سوم از سرفصل ششم قرار گرفته است.

مستندات (مبانی) فقهی بیانیه گام دوم در عرصه‌ی مرزبندی با دشمن و به تبع آن حفظ ارزش‌های انقلابی و اسلامی، بر سه مبحث کلان؛ (۱) دشمن‌شناسی (۲) ارزش‌های انقلابی و ملی (۳) مؤلفه‌ها و مبانی مرزبندی با دشمن - یعنی عدم اطاعت و سازش با دشمن، عدم اعتماد به او، استقلال طلبی در سه حوزه سیاست، اقتصاد و فرهنگ در عرصه داخلی و حمایت از مستضعفان و محرومان جهان در عرصه خارجی -، استوار است. پژوهش حاضر واکاوی مستندات فقهی محورهای سه‌گانه یاد شده را مطمح نظر خویش قرار داده، ضمن اینکه عقلی و عقلایی بودن محورهای مذکور را مفروض دانسته، بر مستندات نقلی - یعنی آیات و روایات - متمرکز خواهد شد. به بیان دیگر تحقیق حاضر در صدد است تا مستندات نقلی محورهای مذکور را در سه مبحث یاد شده، به بحث بگذارد. انشاءالله.

## دشمن‌شناسی در بیانیه‌گام دوم

برای مقابله و برخورد با دشمن، قدم اول شناخت دشمن و نقشه‌های اوست. لذا معظم‌له دشمن‌شناسی را امری لازم و غیر قابل اجتناب می‌دانند. (بیانات در سالگرد ارتحال امام خمینی علیه السلام) (۱۳۹۵/۰۳/۱۴)

## ویژگی‌های دشمن

منظور از دشمن در بیانیه گام دوم، سردمداران نظام سلطه می‌باشد که در قرآن کریم با عنوان «ائمه کفر» (توبه/ ۱۲) از آنان یاد شده است. اینان همواره در تلاش برای از بین بردن و اضمحلال اسلام واقعی و سیاست و نظام سیاسی بر آمده از آن، هستند:

ذات نظام سلطه اقتضا میکند که با نظامی مثل نظام جمهوری اسلامی دشمن باشد؛ منافعشان ۱۸۰ درجه با یکدیگر اختلاف دارد. نظام سلطه اهل خیانت است، اهل جنگ‌افروزی است، اهل ایجاد و سازماندهی گروه‌های تروریست است، اهل سرکوب کردن گروه‌های آزادی‌خواه است، اهل فشار آوردن بر مظلومین

- مثل فلسطین و امثال فلسطین - است؛ این طبیعت نظام سلطه است. (بیانات در سالگرد ارتحال امام خمینی علیه السلام ۱۴/۰۳/۱۳۹۵)

سلطه‌گری، مشخصه بارز دشمنان نظام اسلامی است که در قالب استنکاف از ولایت الهی، عداوت و خصومت‌ورزی و بدعهدی و خلف وعده، بروز و ظهور می‌یابد.

### استنکاف از ولایت الهی

اگر چه عرفا وقتی سخن از دشمن به میان می‌آید از بستگان نسبی و سببی منصرف است، لکن به لحاظ فقهی و شرعی این تلقی و تصور عرفی صحیح نیست. از منظر شریعت مقدسه، اولین معیار دوستی و دشمنی پذیرش ولایت الهی یا انکار آن است. به بیان دیگر محور اجتماع افراد ولایت الهی و ولایت اولیاء الهی است. بر این اساس اهل ایمان را باید را جزئی از خود دانست و اهل کفر را از خود بیگانه دانست، هر چند به لحاظ نسبی غیریتی میانشان نباشد؛

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى  
الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ای کسانی که ایمان آورده‌اید،  
پدران و برادران خود را اگر کفر را بر ایمان ترجیح داده‌اند، اولیاء خود ندانید. کسانی  
که از شما با ایشان دوستی کنند خود ایشان هم ستمگرانند». (توبه/۲۳)

شیخ طوسی شأن نزول این آیه را به استناد روایت صادقین علیهم السلام، حاطب بن ابی بلتعه دانسته است. (طوسی، بی تا، ج ۵، ص ۱۹۵) البته برخی دیگر آیات سوره ممتحنه را در مورد حاطب بن ابی بلتعه دانسته‌اند. (قمی، ۱۳۶۳ ش، ج ۲، ص ۳۶۲) برخی شأن نزول‌های دیگری ذکر نموده‌اند، (شحاته، ۱۴۲۱ ق، ج ۵، ص ۱۸۳۲) در عین حال روشن است که در استدلال به آیات و روایات -چنانکه در کتب اصولی نیز مورد عنایت قرار گرفته- (به عنوان نمونه رجوع شود به؛ نائینی، ۱۳۵۲ ش، ج ۲، ص ۱۰۰) مورد، مخصص عمومیت آیه و روایت نیست. بنابراین شأن نزول آیات مانع تعمیم دلالت آیه به موارد و مصادیق دیگر نخواهد بود. البته چنانکه اهل تفسیر بیان داشته‌اند، منظور از عدم ولایت، عدم احسان و صله رحم نسبت به خویشان و اقرباء نیست. (طوسی، بی تا، ج ۵، ص ۱۹۵)

## عداوت و خصومت‌ورزی

دومین مشخصه دشمنان نظام اسلامی، عداوت و خصومت‌ورزی است. قرآن کریم در آیات متعدد بر این نکته تأکید و تصریح دارد که دشمنان اسلامی جز با تغییر ماهیت نظام اسلامی و برچیده شدن اسلام واقعی، از دشمنی و کینه‌توزی دست بر نمی‌دارند. دشمنان همواره در صدد حفظ جبهه‌بندی و دشمنی با اسلام اصیل هستند؛ «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يُرْذِلُوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَانْقَلِبُوا خَاسِرِينَ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از کافران پیروی کنید، شما را به آیین پیشین برمی‌گردانند، پس زیان‌دیده بازمی‌گردید». (آل عمران/۱۴۹) توقع اینان از مسلمان غالباً نه هم‌زیستی مسالمت‌آمیز که اطاعت و پیروی محض است. و لذا قرآن کریم به شدت نسبت به این توقع غیر توحیدی و انحرافی هشدار می‌دهد؛

وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَ لَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ  
یهودان و ترسایان از تو خشنود نمی‌شوند، تا به آیینشان گردن نهی. بگو: هدایت، هدایتی است که از جانب خدا باشد. اگر از آن پس که خدا تو را آگاه کرده است از خواسته آنها پیروی کنی، هیچ یاور و مددکاری از جانب او نخواهی داشت. (بقره/۱۲۰).

به نظر می‌رسد سخن از صلح و هم‌زیستی پایدار نظام بین‌الملل، مادامی که میان کشورها بر سر ارزش‌ها - خصوصاً دین - تعارض وجود داشته باشد، معقول و بلکه ممکن نیست. به تعبیر علامه طباطبایی احتمال وقوع جنگ میان جوامع متعارض کاملاً عقلانی است. (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۹، ص ۱۱۵) مگر این که تمام جوامع بر محور توحید جمع شوند و بر اساس آن حرکت نمایند. بنابراین مادامی که میان جوامع بر سر ارزش‌ها اختلاف وجود داشته باشد، صلح و دوستی جمعی پایدار ممکن نیست. از قرآن کریم این مطلب به دست می‌آید که اساساً تعارض میان جوامع اسلامی و غیر اسلامی بسیار عمیق است؛

وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ آنها دوست می‌دارند شما را به ستوه آورند. دشمنی درونی و باطنیشان با شما از مطاوی کلماتشان پیدا است. و آنچه در دل دارند، بسی خطرناکتر از آن است. ما آیات را برایتان بیان می‌کنیم، اگر تعقل کنید» (آل عمران/۱۱۸)

آیه بیانگر آن است که دشمنان اسلام، خواهان وارد آمدن مشقت و ضرر بر مسلمین یا جامعه اسلامی هستند. (مصطفوی، ۱۳۶۸ش، ج ۳، ص ۱۷)

تقابل و تعارض نظام اسلامی با کفار متخاصم، در واقع تقابل حق و باطل است؛ «...الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَ أَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ...» و این بدان جهت است که آنها که کافر شدند باطل را پیروی کردند و آنان که ایمان آوردند حق را که از ناحیه پروردگارشان است پیروی نمودند». (محمد/۳) صلح جهانی، مادامی که تعارض میان حق و باطل وجود دارد، امکان‌پذیر نیست، این بدان جهت است که آرمان‌های اهل حق و اهل باطل قابل جمع نیستند. همان‌گونه که تعامل و یکسان‌پنداری حق و باطل امکان‌پذیر نیست و این دو، تا غلبه یکی بر دیگری و اضمحلال آن، همواره در تضاد و تعارض خواهند بود، دشمنی و ناسازگاری نظام اسلامی و دولت‌های استکباری، مادامی که هر دو بر اصول خویش پایبند باشند، امکان‌پذیر نخواهد بود. و لذا قرآن کریم به این مرزبندی اشاره نموده و تأکید می‌کند که در صورت تبعیت از اهل کفر، در زمره ظالمین قرار خواهید گرفت، «وَلَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ» برای اهل کتاب هر برهان و نشانه‌ای که بیاوری از قبله تو پیروی نخواهند کرد، و تو نیز از قبله آنها پیروی نمی‌کنی، و آنها هم خود پیرو قبله یکدیگر نخواهند بود. هر گاه پس از آگاهی، پی خواهشهای ایشان بروی، از ستمکاران خواهی بود». (بقره/۱۴۵) و به مسلمین هشدار می‌دهد که آنان همواره در تلاش هستند که شما تابع آرمان‌های آنان شوید و بنابراین مادامی که در مسیر باطل خویش اصرار می‌ورزند و در زمره اهل حق و مسیر الهی وارد نشدند، با آنان رابطه ولایی و دوستانه نداشته باشید؛

وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّى يَهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ دُوسْت دَارَنْد هَم چنان كه خود به راه كفر می‌روند شما نیز كفر شوید تا برابر گردید. پس با هیچ يك از آنان دوستی مكنید تا آن گاه كه در راه خدا مهاجرت كنند». (نساء/۸۹)

طبیعی است که مستکبرینی با این ویژگی، از هر طریق و روشی -از جمله خدعه و

فریب- برای ضربه زدن استفاده خواهند کرد. و لذا بر اینکه نکته تأکید می‌شود که آنچه به ظاهر از عدم مخالفت با شما ابراز می‌کنند، با آنچه در واقع وجود دارد، کاملاً متفاوت است؛

وَ إِذَا لَقَوْكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَ إِذَا خَلَوْا عَصَوْا عَلَيْكُمْ الْأَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ  
إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ چون شما را ببینند گویند: ما هم ایمان آورده‌ایم. و چون خلوت کنند، از غایت کینه‌ای که به شما دارند سرانگشت خویش به دندان گزند. بگو:  
در کینه خویش بمیرید هرآینه خدا به آنچه در دل‌هاست آگاه است. (آل‌عمران/ ۱۱۹)

«دشمنان انقلاب با انگیزه‌ای قوی، تحریف و دروغ‌پردازی دربارهی گذشته و حتی زمان حال را دنبال میکنند و از پول و همه‌ی ابزارها برای آن بهره میگیرند. (بیانیه گام دوم انقلاب)

### بدعهدی و خلف وعده

سومین مشخصه دشمنان دولت اسلامی عنصر بدعهدی و عدم پابندی به پیمان است... بنابراین نمی‌توان بر دشمنان اعتماد نمود. این عدم خوش‌بینی و اعتماد به نظام بین‌الملل - خصوصاً دولت‌های مستکبر- در بیانیه گام دوم نیز مورد تأکید و اشاره قرار گرفته است؛

سردمداران نظام سلطه نگرانند؛ پیشنهادهای آنها عموماً شامل فریب و خدعه و دروغ است... ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانونهای ضدّ معنویّت و ضدّ اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم. (بیانیه گام دوم انقلاب)

بایسته توجه است که عدم خوشبینی و اعتماد به دولت‌های مستکبر و ضرورت مرزبندی با آنان به معنای انزواطلبی در نظام بین‌الملل نیست. بنابراین از آنجا که اسلام رسالتی جهانی دارد و در صدد تأمین سعادت و هدایت تمام افراد بشر است، بی‌اعتمادی به دولت‌های غیر مسلمان به معنای قطع رابطه مطلق با جهان بین‌الملل و انزواطلبی نیست. این مطلب در بیانیه گام دوم چنین آمده است؛

جمهوری اسلامی، متحجّر و در برابر پدیده‌ها و موقعیتهای نو به نو، فاقد احساس و ادراک نیست، اما به اصول خود بشدّت پایبند و به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان بشدّت حسّاس است. (بیانیه گام دوم انقلاب)

## مصادیق دشمن در عصر حاضر

آنچه در متون فقهی به عنوان مشخصه‌های دشمنان جامعه اسلامی بیان شده است، اختصاصی به عصر نبی مکرم اسلام ﷺ ندارد. در واقع آنچه در قرآن کریم بیان شده است و احیاناً بر مشرکین و کفار آن عصر قابل تطبیق بوده است، به معنای انحصار مصادیق دشمن به دشمنان عصر نبی مکرم اسلام ﷺ نیست. بنابراین اگر مؤلفه‌های سه گانه‌ی مذکور در دولت یا جامعه‌ای در عصر حاضر تطبیق نماید، مصادیق دشمن بر اساس منطق قرآن کریم خواهد بود. بر اساس بیانیه گام دوم، مصادیق و مؤلفه‌های مذکور برای دشمن، آمریکا و به تبع آن رژیم صهیونیستی و برخی کشورهای اروپایی است؛

امروز ملت ایران علاوه بر آمریکای جنایت‌کار، تعدادی از دولتهای اروپایی را نیز خدعه‌گر و غیر قابل اعتماد میدانند. دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آنها با دقت حفظ کند؛ از ارزشهای انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند؛ از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد؛ و در همه‌حال، عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد و حکیمانه و مصلحت‌جویانه و البته از موضع انقلابی، مشکلات قابل حلّ خود را با آنان حل کند. در مورد آمریکا حلّ هیچ مشکلی متصور نیست و مذاکره با آن جز زیان مادی و معنوی محصولی نخواهد داشت. (بیانیه گام دوم)

از منظر مقام معظم رهبری در میان کشورهای اروپایی، دولت انگلیس از خباثت بیشتری برخوردار است:

ما البته دشمنهای ریزودرشت زیادی داریم؛ دشمنهای کوچک هم داریم، دشمنهای حقیر هم داریم اما عمده‌ی دشمنی‌ها از سوی آمریکا و از سوی انگلیس خبیث - انگلیس واقعاً خبیث؛ هم در گذشته، از دوران اوایل رژیم طاغوت تا دوران انقلاب، [هم] بعد از دوران شروع انقلاب و پیروزی انقلاب تا امروز، همواره انگلیس با ما دشمنی کرده است. (بیانات در سالگرد ارتحال امام خمینی علیه السلام ۱۳۹۵/۰۳/۱۴)

در آیات قرآن کریم در چهار مورد ارتباط غیر خصمانه با غیر مسلمانان را جایز و بلکه گاه

واجب می‌داند:



## تألیف قلوب

در این فرض علاوه بر جواز ارتباط حتی حمایت مادی نیز لازم و واجب است.

إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ زَكَاتٍ فَقَطْ مِنْ فَقْرٍ وَتَنَكُّدِ اسْتِغْنَاءِ وَأَنْتَ وَأَنْهَا كَيْ جَلْبِ دَلْهَائِشَانِ كُنُنْدِ، وَ بَرَاءِ آزَادِ كَرْدِنِ بَرْدِگَانِ وَ قَرَضِ دَارَانِ وَ صَرَفِ دَرِ رَاهِ خُدَا وَ بِهِ رَاهِ مَانْدِگَانِ اسْتِ، وَ اَيْنِ قَرَارِي اَزْ جَانِبِ خُدَا اسْتِ وَ خُدَاوَنْدِ دَانَايِ حَكِيمِ اسْتِ (توبه/۶۰)

اگر چه در برخی روایات معتبر «الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ» به اهل توحیدی که از نبوت نبی مکرم اسلام ﷺ غفلت دارند معنا شده است، در برخی دیگر از روایات صحیح السند، سران شرک نیز از مصادیق تألیف قلوب در سیره نبوی شمرده شده‌اند. (کلینی، ۱۳۶۱ ش، ج ۲، ص ۴۱۱) علاوه بر اینکه معیار تألیف قلوب صرفاً کمک اقتصادی و پرداخت زکات نیست. به بیان ساده‌تر آیه در مقام انحصار تألیف قلوب به پرداخت زکات نیست. چنانکه در برخی روایات نیز مصادیق دیگری برای تألیف قلوب ذکر شده است. (همان، ج ۲، ص ۴۱۱) اهل سنت در اینکه آیا تألیف قلوب صرفاً در عصر نبوی موضوعیت داشته یا زمان بعد از آن حضرت را نیز شامل می‌شود اتفاق نظر وجود ندارد. لکن شیعه به لحاظ زمانی در صورت حاکمیت حاکم عادل آن را مختص به زمان خاصی نمی‌دانند. (حلی، بی تا، ج ۱، ص ۲۷۵) بنابراین گستره تألیف قلوب عام بوده و منحصر به افراد یا رفتار و یا زمان خاصی نیست.

## دولت‌های معاهد

ارتباط در محدوده قرارداد بلامانع بوده و از باب «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مانده/۱) واجب است که دولت اسلامی به معاهده خویش پایبند، باشد؛

إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوا شَيْئًا وَ لَمْ يَظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتُوا إِلَيْهِمْ عَهْدُهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ مَگر آن کسانی از مشرکین که شما با آنان عهد بسته‌اید و ایشان بهیچ وجه عهد شما را نشکسته، و احدی را علیه شما پشتیبانی و کمک نکردند، که باید عهدشان را تا سر آمد مدتشان استوار بدارید که خدا پرهیزکاران را دوست می‌دارد. (توبه/۴)

البته در صورتی که احراز شود دولت مقابل نقض عهده نموده، التزام به معاهده و قرارداد موضوعیت خودش را از دست داده و واجب است دولت اسلامی نیز تعهد و معاهده یک طرفه اجتناب نماید. «وَ إِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِبِينَ» گفتنی است که مراد از خوف - یعنی ترس - در این آیه، مطلق ترس و احتمال نقض عهده نیست. بلکه مراد احتمال عقلایی است. و چنانکه صاحب المیزان تصریح نموده‌اند، پس از اینکه نشانه‌های آشکاری برای دولت اسلامی به دست آمد که دولت مقابل نقض عهده نموده است، دولت اسلامی نیز باید پایبندی به معاهده و عهد را نقض نموده و آن را کنار بگذارد. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۹، ص ۴۱۳)

دولت‌هایی که سابقه عداوت و دشمنی - مستقیم و غیر مستقیم - با مسلمانان نداشته‌اند  
لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ؛ خداوند شما را از کسانی که با شما در کار دین کارزار نکرده‌اند و شما را از خانه و کاشانه‌تان آواره نکرده‌اند، نهی نمی‌کند از اینکه در حقشان نیکی کنید و با آنان دادگرانه رفتار کنید، بی‌گمان خداوند دادگران را دوست دارد. (ممتحنه/۸)

بر اساس این آیه داشتن رابطه حسنه با دولت‌هایی که سابقه عداوت ندارند، امری ممضات و پسندیده تلقی شده است. البته برخی مفسرین علاوه بر عدم مقاتله، قید معاهد بودن را نیز اضافه نموده‌اند. (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۹، ص ۴۰۸) لکن وجه این قید مشخص نبوده و توضیحی پیرامون آن ارائه نداده‌اند.

### دولت‌هایی که خواهان رابطه دوستانه هستند

برای دولت اسلامی محرز شود که در اعلام دوستی خویش صادق بوده و اهل خدعه نیستند.  
«وَ إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛ و اگر به صلح گزیند پس تو نیز به آن گرای و بر خدای توکل کن که او شنوای داناست». (انفال-۶۱)  
جواز ارتباط با دولت‌های غیر مسلمان و تعاملات بین‌المللی در مباحث فقهی فقیهان مسلمان نیز ظهور و بروز یافته است. به عنوان نمونه بحث فقیهان شیعه پیرامون مسأله «بیع سلاح به اهل حرب» در متون فقهی و فتوای آنان به عدم جواز بیع (به عنوان نمونه: حلی، ۱۴۰۷،

ج ۲، ص ۳۴۹؛ و ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۵۲۴؛ عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۲، ص ۱۱۶؛ نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴، ص ۹۵) بیانگر آن است که اصل ارتباط و تعامل با کفار -خصوصاً در حوزه اقتصاد- مادامی که آسیبی به نظام اسلامی وارد نسازد، بلامانع است. زیرا اگر تعامل با اهل باطل مطلقاً جایز نباشد، تقیید آن به مسأله بیع سلاح توجیهی نداشت.

بنابراین با حفظ مرزبندی -یعنی عدم تنزل از اصول اسلامی- و توجه به منش فریبکارانه نظام کفر، تعاملات اقتصادی با دولت‌های مستکبر و فراتر از آن با دولت‌هایی که یکی از شرایط چهارگانه فوق را داشته باشند، بلامانع است.

### ارزش‌های انقلابی و ملی

رهبر معظم انقلاب در موارد متعدد -خصوصاً سخنرانی‌های خویش، ارزش‌های انقلابی و ملی را تبیین فرموده‌اند. مراد ایشان از ارزش‌های ملی خرافه‌هایی -مانند چهارشنبه سوری- که از پیشینیان باقیمانده نیست:

وقتی ارزش ملی می‌گوییم، نباید فوراً ذهن به سمت چهارشنبه‌سوری برود. (بیانات در دیدار جمعی از کارگردانان سینما ۱۳۸۵/۰۳/۲۳)

بلکه ارزش ملی در مقابل ارزش‌های وارداتی غرب که بر مبانی و خاستگاه ضد دینی استوار است، می‌باشد. از منظر ایشان پایبندی به ارزش‌های انقلابی همان ارزش‌های اسلامی بوده و از یکدیگر قابل تفکیک نیستند. (بیانات در دیدار دانشجویان ۱۳۶۸/۰۳/۲۳) و عمل به این ارزش‌ها باعث و عامل پیشرفت جامعه است.

در این کشور، بعد از پیروزی انقلاب، در هر جا که موفقیتی مشاهده شد، ناشی از این بود که در آن جا ارزش‌های اسلامی پیشرفت کرده بود. در هر جا که ما دچار ناکامی شدیم، اگر تفحص کنید، خواهید دید که مشکل ما، مشکل پشت کردن به احکام و مقررات و اخلاق و ارزش‌های اسلامی بوده است. (بیانات در دیدار فرماندهان نیروی انتظامی ۱۳۷۴/۰۴/۲۱)

ضمانت پیشرفت جامعه در صورت عمل به ارزش‌های اسلامی در سخنان و رهنمودهای رهبر معظم انقلاب -که همان فرامین و دستورات شرع مقدس اسلام در حوزه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی است-، خاستگاه و مستند قرآنی (مائده/۶۶) و روایی (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۵۳) دارد. قرآن کریم عمل به دستورات و شریعت الهی را هدف و مسئولیت

همه‌ی انبیاء الهی دانسته (شوری/ ۱۳) و بر این نکته تأکید می‌ورزد که عمل به دستورات الهی ضامن سعادت دنیا و آخرت بشر است؛ «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ... اگر اهل قریه ایمان آورده و پرهیزکاری کرده بودند برکات آسمان و زمین را به روی ایشان می‌گشودیم». (اعراف/ ۹۶) منظور از برکات در این آیه، انواع نعم و خیرات است. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۸، ص ۲۰۱)

پرداختن به تمام ارزش‌های انقلابی و ملی که برآمده از اصول اسلامی است، خارج از گنجایش پژوهش حاضر است. در عین حال برخی از مهم‌ترین ارزش‌های انقلابی که جمهوری اسلامی باید بر آن تأکید نموده و آن را حفظ نماید عبارتند از؛ توحید باوری و نفی ارزش‌های طاغوتی، (بیانات در دیدار دانشجویان زنجان ۱۳۸۲/۰۷/۲۲) تلاش برای تحقق عدالت اجتماعی، حفظ کرامت انسانی، آزادی، سبک زندگی اسلامی، (سخنرانی نوروزی، ۱۳۹۹/۰۱/۰۳) خودباوری و اعتماد به نفس، و دفاع از مظلومان و مستضعفان. (بیانات در سالگرد ارتحال امام خمینی ره ۱۳۹۵/۰۳/۱۴). در عین حال از منظر مقام معظم رهبری حفظ ارزش‌های اسلامی و مرزبندی با دشمنان به خودی خود یکی از - بلکه اصلی‌ترین - ارزش‌های انقلابی و اسلامی است. به اعتقاد ایشان اقتضای توحید محوری مرزبندی با نظام سلطه و نفی آن است؛

توحید یعنی حاکمیت ارزشهای الهی بر جامعه و نفی حکومت‌های طاغوتی، استبدادی، فاسد و طغیانگر بر ارزشهای انسانی و اصیل. بنابراین توحید ستون فقرات و رکن اساسی شعار اسلامی و پیام انقلاب اسلامی بود (بیانات در دیدار دانشجویان زنجان ۱۳۸۲/۰۷/۲۲)

### مبانی و مؤلفه‌های فقهی مرزبندی با دشمنان

در منطق قرآن کریم، مسیر جامعه اسلامی از جامعه‌ی کفر - خصوصاً مستکبر - متفاوت و متمایز است. چنانکه اشاره گردید، نسبت جامعه اسلامی و جامعه کفر، تقابل حق و باطل است. بر این اساس قرآن کریم دستور آکید دارد که نباید جامعه اسلامی در مسیر جامعه کفر قرار گرفته و در صدد سازش با آنان بر آید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ أَي كَسَانِي كِه اِيْمَان آورده ايد از دوستي با دشمن خدا

و دشمن خودتان پرهیز نمایید. آیا به آن‌ها ابراز دوستی می‌کنید در حالی که به دین و آئین‌تان که حق است، کفر می‌ورزند (ممتحنه/۱)

مرزبندی با دشمنان نظام اسلامی و حفظ ارزش‌های انقلابی و ملی که همان ارزش‌های برآمده از شریعت اسلامی است، بر محور سلطه‌ستیزی استوار است. این سلطه‌ستیزی اگر چه در عرصه‌ی داخلی انکارناپذیر است، اما معنای آن بی‌تفاوتی در عرصه بین‌الملل نیست. در واقع مرزبندی با دشمنان که در واقع همان نفی طاغوت است، بر مؤلفه‌هایی مانند عدم سازش و اطاعت از نظام سلطه، حفظ استقلال و عدم اتکا به دشمن در سه عرصه سیاست، اقتصاد و فرهنگ و بر حمایت از مستضعفان و محرومان جهان استوار است.

### عدم سازش و اطاعت

در منظومه فکری مقام معظم رهبری مرزبندی با دشمنان و عدم اطاعت از آنان، ذیل جهاد کبیر قرار می‌گیرد. که قرآن کریم بدان دستور داده است؛ «فَلَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (فرقان/۵۲). بسیاری از مفسرین شیعه و سنی ضمیر در «بِهِ» را به قرآن ارجاع داده‌اند. (به عنوان نمونه: طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۵، ص ۲۸۸؛ و فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۱۹؛ و طوسی، بی‌تا، ج ۵، ص ۵۳۶؛ و آلوسی، ۱۴۱۵ق ج ۱۰، ص ۳۲؛ و زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۸۶) در عین حال شیخ طوسی (طوسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۵۹۸) و زمخشری (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۸۶) بازگشت ضمیر به عدم اطاعت را به عنوان یک احتمال مطرح کرده‌اند. برخی مفسرین توضیح نمی‌دهند که اگر ضمیر به قرآن بازگشت کند، معنای دقیق آیه چه می‌شود. مرحوم علامه طباطبایی در توضیح بازگشت ضمیر به قرآن، جهاد با قرآن را به بیان معارف دینی و استدلال بر علیه کفار تفسیر می‌کند. روشن است که تفسیر معنای جهاد به بیان معارف دینی، استعمال واژه در معنای مجازی خواهد بود. در اندیشه مقام معظم رهبری مراد از جهاد با قرآن، از یک سو به عدم اطاعت از کفار و از سوی دیگر تبعیت و اطاعت از قرآن معنا شده است. بنابراین در اندیشه ایشان، عدم اطاعت از کفار در فضای مکه که مسلمین به لحاظ ظاهری در ضعف بوده‌اند، نوعی جهاد است.

یک جهاد هست که خدای متعال آن را «جهاد کبیر» نام نهاده که آن همین است. جهاد کبیر یعنی چه؟ یعنی اطاعت نکردن از دشمن، از کافر؛ از خصمی که در

میدان مبارزه‌ی با توفیق گرفته اطاعت نکن. اطاعت یعنی چه؟ یعنی تبعیت؛ تبعیت نکن. تبعیت نکردن در کجا؟ در میدانهای مختلف؛ تبعیت در میدان سیاست، در میدان اقتصاد، در میدان فرهنگ، در میدان هنر. در میدانهای مختلف از دشمن تبعیت نکن؛ این شد جهاد کبیر (بیانات در دانشگاه افسری ۱۳۹۵/۰۳/۰۳)

چنانکه اشاره شد مراد از دشمن این‌گونه نیست که هر دولت غیر مسلمان را از مصادیق آن قرار دهیم. بنابراین گستره عدم سازش مربوط به دولت‌های مستکبر یا نظام سلطه است. دلیل این امر نیز این است که نظام سلطه به دنبال دشمنی و از بین بردن جبهه حق است و طبیعتاً با چنین دولت‌های سازش به معنای دست برداشتن از اصول و ارزش‌های اسلامی خواهد بود. بنابراین سازش و همراهی با نظام سلطه، عقلاً و شرعاً پذیرفتنی نخواهد بود. چنانکه معظم‌له با استناد به آیه ۸ سوره ممتحنه و ۹۱ سوره نساء، این مهم را تبیین نموده‌اند.

«لاینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبرؤهم و تقسطوا الیهم» با همه کسانی که با شما کاری ندارند و اهل صلح و سلامت و اخوت و برادری هستند، سازش کنید: اما با کسی که با فلسفه وجودی و اساس و ایمان شما و با اصل حکومت اسلامی و ولایت الهی مخالف است؛ «لا تدعوا الی السلم»؛ سازش نکنید. (بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان، ۱۳۷۴/۰۶/۲۹)

### عدم اعتماد و رکون به دشمن

قرآن کریم خوش‌بینی به قدرت‌های مستکبر را تقیح نموده و مسلمانان را از اینکه به آنان اعتماد نمایند، برحذر می‌کند. البته این حکم الهی تأسیسی نبوده و جنبه امضایی دارد. واقع این امر پذیرفته شده است که اعتماد به دشمن قبیح است. و لذا قرآن کریم پس از اینکه دستور به عدم اعتماد به آنان می‌دهد بر این مطلب تأکید می‌کنند که آنان دشمن اسلام و جبهه حق هستند و نباید نسبت به جبهه باطل و دشمن، خوش‌بین بود؛

یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا بطانَةً مِنْ دُونِكُمْ لا یألوَنکُمْ حَبَالاً وَدُّوا ما عَنْتُمْ  
قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَهِهِمْ وَ ما تُخْفِی صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ ای کسانی که ایمان

آورده‌اید، دوست و محرم رازی از غیر خود مگیرید که غیر شما لحظه‌ای از رساندن شر، به شما نمی‌آسایند، آنها دوست می‌دارند شما را به ستوه آورند. دشمنی درونی و باطنیشان با شما از مطاوی کلماتشان پیدا است. و آنچه در دل دارند، بسی خطرناک‌تر از آن است. (آل عمران/ ۱۱۸)

بطانه در لغت به معنای لباس زیرین و در این آیه کنایه از محرم اسرار قرار دادن کفار است. شأن نزول آیه (رجوع شود به؛ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۵۷۰) موجب حصر معنای آن در یک مصداق و موضوع خاص نیست. در واقع منطوق آیه از محرم اسرار قرار دادن کفار نسبت به مسلمین نهی نموده است. لکن مناسبت حکم و موضوع بیانگر این مطلب است که صرف بیان اسرار موضوعیت نداشته و موضوع اصلی عدم اعتماد به آنان است و بنابراین عدم بیان اسرار، صرفاً یکی از مصادیق عدم اعتماد به کفار و دشمنان دین است.

بی‌اعتمادی به دشمنان، در بیانیه‌ی گام دوم نیز مورد توجه و تأکید قرار گرفته است: رهنان فکر و عقیده و آگاهی بسیارند؛ حقیقت را از دشمن و پیاده‌نظامش نمی‌توان شنید». (بیانیه گام دوم انقلاب)

## استقلال طلبی و عزت ملی

استقلال طلبی در حوزه‌ی اقتصاد، سیاست و فرهنگ-، جزء لاینفک مرزبندی با دشمنان و حفظ ارزش‌های اسلامی و انقلابی است. لکن باید توجه داشت که استقلال طلبی به معنای بستن و زندانی کردن سیاست و اقتصاد نیست. بلکه جمهوری اسلامی می‌تواند و باید ضمن مرزبندی با دشمنان و حفظ استقلال خود در حوزه‌های یاد شده، ارتباط با خارج از مرزهای خود را داشته باشد. لکن جواز تعامل با خارج بر لزوم رعایت اصل مصلحت و عزت ملی مبتنی است؛

استقلال ملی به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرتهای سلطه‌گر جهان است... بدیهی است که «استقلال» نباید به معنی زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود... تعریف شود... دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آنها با دقت حفظ کند؛ از ارزش‌های انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند؛ از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد؛ و در همه‌حال، عزت کشور و

ملت خود را در نظر داشته باشد و حکیمانه و مصلحت‌جویانه و البته از موضع انقلابی، مشکلات قابل حلّ خود را با آنان حل کند.

استقلال و عدم وابستگی به سایر دولت‌ها، خودباعث بازدارندگی شده و از سنخ دفع مانع برای حرکت دولت اسلامی در مسیر تعالی و پیشرفت خواهد بود. بنابراین اگر چه ارتباط با نظام بین‌الملل - یعنی دولت‌های غیر مستکبر -، اصول اسلامی رعایت شود. بدین معنا که این ارتباط نباید به عزت ملی و استقلال دولت اسلامی آسیبی وارد سازد. در واقع وابستگی خارجی عامل تضعیف یک نظام سیاسی محسوب می‌شود. و نمی‌توان با نگاهی خوش‌بینانه وارد نظام بین‌الملل و تعاملات خارجی با دولت‌های غیر مسلمان شد. روشن است که لازمه این عدم اعتماد تلاش برای استقلال و عدم وابستگی به بیگانگان خواهد بود.

منظور از عزت توجه به جایگاه برتر و عدم سلطه‌پذیری مؤمن و جامعه ایمانی است. در واقع عزت مؤمن، اصلی است که تحت هر شرایطی - خصوصاً در نسبت با غیر مسلمین - باید بدان اهتمام ورزیده شده و آسیبی به آن وارد نشود. بر این مساله هم در قرآن کریم و هم در متون روایی تأکید شده است. علاوه بر آنکه لزوم رعایت عزت و اهتمام به جلوگیری از خدشه در استقلال و برتری جامعه ایمانی مؤید به دلیل اجماع محصل می‌باشد؛ (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۹۱).

آیه نفی سبیل، با واژه «لن» بر عدم تسلط کفار بر مؤمنین تأکید شده است، یکی از اصلی‌ترین مستندات لزوم مرزبندی با دشمنان است.؛ «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا و خدا تا ابد اجازه نداده که کافران کمترین تسلطی بر مؤمنان داشته باشند» (نساء/ ۱۴۱) صرف نظر از شأن نزولی که برای آیه بیان شده است (ن.ک: علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۵۶)، جعل در این آیه کنایه از اذن و اجازه است. و نفی آن، به معنای عدم اجازه و یا حرمت؛ و متعلق این حرمت، سبیل کافر بر مسلمان است. سبیل در لغت به معنای طریق آمده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۹۵ و ۵۱۸؛ و ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۳۱۹. و قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۲۳۴؛ و طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۳۹۲؛ و زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۳۲۵؛ و فیومی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۶۵) بر خلاف سایر کلمات که معمولاً معنای چندگانه‌ای برای یک لغت بیان



می‌دارند، برای این واژه معنای دیگری بیان نشده است. بنابراین نظر به اینکه سبیل در آیه شریفه، نکره و در سیاق نفی - لن - قرار گرفته، معنای آن عمومیت داشته و تمام مصادیق خودش را شامل خواهد شد. و این عبارت اخرای مرزبندی با دشمن (جبهه کفر) است.

در میان روایات نیز می‌توان به روایت کلینی از امام صادق علیه السلام اشاره نمود؛

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ أُمُورَهُ كُلَّهَا وَ لَمْ يَفَوِّضْ إِلَيْهِ أَنْ يَكُونَ ذَلِيلًا  
أَمَا تَسْمَعُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ - وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ فَأَلْمُؤْمِنُ  
يَكُونُ عَزِيزًا وَ لَا يَكُونُ ذَلِيلًا... خداوند امور مؤمن را به خودش تفویض کرده  
است. و به او اجازه نداده که ذلیل باشد. آیا نشنیدی که فرمایش خدای متعال را که  
"عزت مخصوص خدا و پیامبر و مؤمنین است" پس مؤمن بزرگ می‌شود، اما ذلیل  
نمی‌شود». (کلینی، ۱۳۶۱ ش، ج ۵، ص ۶۳).<sup>۳</sup>

مرحوم کلینی این روایت و روایات مشابه را ذیل باب "کراهه التعرض لما لا يطيق" ذکر  
نموده است. شاید این به جهت صحیحه داود رقی باشد که در آن از چپستی عمل ذلیل‌آور  
سئوال شده و امام صادق علیه السلام عملی را که مؤمن توان و طاقت انجام آن را ندارد، معرفی نموده  
است؛ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ: «لَا يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَذِلَّ نَفْسَهُ. قِيلَ لَهُ: وَ كَيْفَ يَذِلُّ  
نَفْسَهُ؟ قَالَ: يَتَعَرَّضُ لِمَا لَا يَطِيقُ». به نظر می‌رسد که کلینی از این پاسخ امام علیه السلام چنین  
تصور نموده است که یگانه مصداق اذلال مؤمن، بر عهده گرفتن عملی است که طاقت انجام  
آن را نداشته باشد. لکن روشن است که تطبیق امام از باب مثال بوده و نه انحصار. عجیب  
آنکه صاحب وسائل نیز روایت مذکور را ذیل عنوان "کراهه التعرض لما لا يطيق" (حر عاملی،  
۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۱۵۶. و همان مؤلف، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۵۷۸) آورده است. البته ایشان با تمام  
روایاتی که کلینی ذیل باب مذکور آورده را، چنین معامله‌ای انجام نداده است.

دو نکته پیرامون روایات مورد بحث، بایسته توجه است؛ اولاً، آنچه در این روایات مورد  
توجه است، مسأله‌ی اذلال مؤمن است. یعنی مؤمن حق ندارد عملی را متقبل شود یا انجام  
دهد که سبب کسر شأن و اذلال او باشد. ثانیاً، روایت به طریق اولی جامعه ایمانی را شامل  
می‌شود. یعنی نه تنها مؤمن به عنوان فرد مکلف حق ندارد، اسباب اذلال خودش را فراهم  
آورد، جامعه ایمانی نیز حق ندارد خودش را در معرض اذلال قرار دهد.

علاوه بر روایات پیش‌گفته، روایت صدوق از نبی مکرم اسلام ﷺ نیز، مستند مدعای بحث است؛

الإِسْلَامُ يَعْلُو وَ لَا يَغْلَى عَلَيْهِ وَ الْكُفَّارُ بِمَنْزِلَةِ الْمَوْتَى لَا يَحْجُبُونَ وَ لَا يَرْتُونَ در مرتبه فراتر قرار می‌گیرد، و چیزی فراتر از آن وجود ندارد. و کافر همانند مردگان بی‌تأثیر هستند، نه مانع اسلام ارث می‌شوند و نه ارث می‌برند (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۳۴).

حدیث مذکور، به لحاظ سندی مرفوعه یا مرسله محسوب می‌شود، بنابراین از این حیث دچار خدشه و ضعف است. البته باید به این مطلب توجه داشت که صدوق علیه الرحمه در مقدمه جلد اول این کتاب (ص ۳) آورده است که آنچه را در این کتاب آورده، فتوا داده و صحیح می‌دانم که معتقدم بین خود و خدای خودم حجت است؛ «فَصَدْتُ إِلَى إِيْرَادِ مَا أَتَيْتُ بِهِ وَ أَحْكُمُ بِصِحَّتِهِ وَ أَعْتَقِدُ فِيهِ أَنَّهُ حُجَّةٌ فِيمَا بَيْنِي وَ بَيْنَ رَبِّي تَقَدَّسَ ذِكْرُهُ وَ تَعَالَتْ قُدْرَتُهُ وَ جَمِيعُ مَا فِيهِ مُسْتَخْرَجٌ مِنْ كُتُبٍ مَشْهُورَةٍ عَلَيْهَا الْمُعَوَّلُ وَ إِلَيْهَا الْمَرْجِعُ». و شهادت صدوق، موجب نوعی اعتبار برای روایات مرسل در من لایحضره الفقیه - خصوصاً روایاتی که به صورت مستقیم از معصوم علیه السلام نقل شده - خواهد شد. (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۶۲۸؛ و فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۳۵؛ و باقر ایروانی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۱۰۵؛ و مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج ۴، ص ۱۵۴) هر چند بر اساس مبنای رجالی مقام معظم رهبری، مرسلات صدوق - حتی در فرضی که بلاواسطه از معصوم نقل قول می‌کند - برای اعتبار و صحت سندی روایت کافی نیست. (خامنه‌ای، ۱۴۱۸، ص ۷۱) لکن این روایت از یک سو مؤید به آیات نفی سبیل و اعتلاء است (نساء/۱۴۱؛ و آل عمران/۱۳۹) و از سوی دیگر مورد عمل و فتوای مشهور واقع شده است (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۷۲۶) و از این حیث می‌توان حکم به اعتبار آن نمود.

فارغ از بحث سندی روایت، کلام نبوی صلی الله علیه و آله جمله خبریه است و نه انشاء و جوب و یا حرمت. لکن چنانکه برخی از مواقع جملات خبریه در مقام انشاء قرار می‌گیرند و در این حالت دلالتشان بر جوب و یا حرمت قوی‌تر است، در این روایت نیز جمله خبریه حاکی از دو نوع انشاء و جوب و حرمت خواهد بود. عبارت "یعلو" بیانگر این نکته است که اسلام باید در خارج و مقام عمل، فراتر از کفر قرار گیرد. و عبارت "و لا یغلی علیه"، بیانگر آن است که

برتری دادن کفر بر اسلام، حرام است. اگر چه فراز دوم روایت منعی از مساوات کافر با مسلمان ندارد، لکن تساوی بین مسلمان و کافر با ضد خاص فراز اول روایت سازگار نیست. بنابراین به لحاظ دلالتی روایت بیانگر عدم جواز برتری و یا تساوی مسلمان با کافر خواهد بود. و از آنجا که حیثیت برتری اسلام بر کفر بیان نشده است، به صورت مطلق هر نوع برتری یا تساوی کافر بر مسلمان - جز مواردی که با دلیل خاص استثناء شده باشد - حرام خواهد بود. البته در تفسیر این روایت بر عدم جواز مساوات کافر با مسلمان، نگارنده تنها نیست؛ بلکه فارغ از نوع استدلال - فقیهان طراز اول شیعه نیز بر عدم جواز مساوات کافر با مسلمان، تصریح نموده‌اند. به عنوان مثال مرحوم طباطبائی مؤلف کتاب گران سنگ ریاض المسائل، دیدگاه مشهور فقیهان شیعه قلمداد نموده است. (طباطبائی، بی تا، ج ۱، ص ۴۸۵. همچنین رجوع شود به؛ کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۶۶۳. و حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۴۴۴. و حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴۷۶).

البته لازمه استقلال در حوزه اقتصاد، داشتن استقلال در حوزه سیاست، فرهنگ و نظامی و بلکه تمام ارکان نظام اسلامی است. در واقع سیاست، فرهنگ، قدرت نظامی، مدیریت و اقتصاد ارکان در هم تنیده‌ای هستند که ضعف در یکی، تزلزل در دیگر مؤلفه‌ها را به دنبال خواهد داشت. به همین جهت است که در مبحث استقلال یک دولت یا نظام سیاسی، استقلال در تمام جوانب به ذهن متبادر می‌شود. بر اساس بیانیه دوم، راه رسیدن جامعه اسلامی به استقلال و عزت داشتن اقتصاد قوی و بدون وابستگی به دولت‌های دیگر معرفی شده است:

«اقتصاد قوی، نقطه‌ی قوت و عامل مهمّ سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه‌ی ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و دخالت دشمنان است» (بیانیه گام دوم)

در عین حال در نسبت میان اقتصاد و فرهنگ، استقلال در حوزه فرهنگ مقدم بر استقلال اقتصادی است:

«این استقلال خیلی مهم است؛ استقلال داخلی، استقلال منطقه‌ای، استقلال جهانی و بین‌المللی؛ در همه‌ی این مسائل استقلال کشور و استقلال نظام را حفظ کردن.... استقلال اقتصادی مهم است، [اما] اول در زمینه‌ی فرهنگی عرض بکنم؛ استقلال فرهنگی به اعتقاد بنده از همه‌ی اینها مهم‌تر است. استقلال فرهنگی در این است که سبک زندگی را، سبک زندگی اسلامی - ایرانی انتخاب بکنیم» (بیانات در سالگرد ارتحال امام خمینی ره ۱۳۹۵/۰۳/۱۴)

## حمایت از مستضعفان و محرومان جهان

اشاره نمودیم که بر اساس بیانیه گام دوم که منبعث از مبانی فقهی شیعه است، دولت و نظام اسلامی باید نسبت دولت‌های مستکبر و سلطه‌گر مرزبندی خویش را حفظ نماید. از یک سو از داشتن رویکرد خوشبینانه به نظام سلطه پرهیز نماید و از سوی دیگر تابع أهواء و خواسته‌های آنان نگردد. مرزبندی با سلطه‌گران عالم، یک روی سکه دیگری هم دارد و آن حمایت از مستضعفان و محرومین است. چنانکه این امر در بیانیه مذکور، یکی از اصول انقلاب اسلامی ایران معرفی شده است؛

این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی‌رحم و خون‌ریز بوده و نه منفعل و مردد. با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است. این جوانمردی و مرآت انقلابی، این صداقت و صراحت و اقتدار، این دامنه‌ی عمل جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان، مایه‌ی سربلندی ایران و ایرانی است، و همواره چنین باد (بیانیه گام دوم)

اگر چه این ویژگی بیانگر خصوصیت جوانمردی و مروت انقلابی معرفی شده است، لکن به معنای آن نیست که حمایت از مستضعفین صرفاً امری مستحسن و ممدوح باقی بماند و تکلیفی الهی نباشد. بلکه بی‌تفاوتی نسبت به مستضعفان در متون فقهی اعم از قرآن و روایات به شدت مورد مذمت قرار گرفته و تأکید شده است که مسلمین نباید نسبت به افراد و جوامعی که استضعاف کشیده شده‌اند، بی‌تفاوت باشند؛

وَ مَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوُلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا وَ چرا شما در راه خدا و در راه نجات مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید؟ همانان که می‌گویند: پروردگارا! ما را از این شهر (مکه) که مردمش ستم پیشه‌اند، بیرون ببر! و از جانب خود برای ما سرپرستی قرار ده، و از نزد خویش یابوری برای ما تعیین فرما. (نساء/ ۷۵)

هر چند آیه فوق امر به جهاد و مقاتله نموده و از سوی دیگر فراز «الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا» قرینه است بر اینکه

مقصود از مستضعفین در آیه فوق، ملت و جامعه توحیدی است. لکن باید توجه داشت که اولاً، فراز مذکور وصفیه است و چنانکه مشهور فقیهان شیعه معتقدند، جملات وصفیه فاقد مفهوم هستند. (عراقی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۴۱۱) لذا حمایت از مستضعفین منحصر به مسلمین نخواهد بود. ثانیاً، ظاهر و بلکه مفهوم اولویت آیه

لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در امر دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند نهی نمی‌کند؛ چرا که خداوند عدالت‌پیشگان را دوست می‌دارد. (ممتحنه/ ۸)

بیانگر آن است که حمایت از مستضعفین غیر مسلمان، منع شرعی ندارد. چرا که حمایت از دولت‌های مستضعف از اکمل مصادیق بر و نیکی به آنان محسوب می‌شود. علاوه بر این در برخی روایات نیز -که به لحاظ سندی معتبر و صحیحه محسوب می‌شوند- توجه به مظلومان و اساساً هر کس که کمک‌خواهی از مسلمین داشته، معیار پابندی به اسلام تلقی شده است. چنانکه امام صادق علیه السلام از جانب نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتُمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَ مَنْ سَمِعَ رَجُلًا ينادي يا لِّلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يَجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ هر کس شب را صبح نماید و دغدغه امور مسلمین را نداشته باشد مسلمان نیست و هر کس ندای دادخواهی را بشنود که از مسلمانان یاری می‌طلبد، و جوابش را ندهد، مسلمان نیست. (کلینی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۱۶۴).

گفتنی است بین فراز اول و دوم روایت به لحاظ موضوع حکم، رابطه عام و خاص وجود دارد، با این وجود در متعلق حکم با یکدیگر متفاوت هستند. در اولی متعلق حکم اهتمام به امور مسلمین است و دومی پاسخ به دادخواهی هر مظلومی اعم از مسلمان و غیر مسلمان است. بنابراین -حتی بر اساس مبنای کسانی که معتقدند ذکر عام بعد از خاص، باعث تخصیص عام می‌شود (سبحانی، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۶۳۵) بخش اول از روایت فوق، موجب نمی‌شود که فراز دوم روایت را صرفاً منحصر به دادخواهی مسلمان از مسلمان بدانیم. خصوصاً که در برخی دیگر از روایات نیز که به لحاظ زمانی متأخر از حدیث کافی هستند، حمایت از مظلوم به صورت عام آمده است. چنانکه در صحیفه سجادیه از امام زین

العابدين عليه السلام نقل شده است که؛ «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ مِنْ مَظْلُومٍ ظَلِمَ بِحَضْرَتِي فَلَمْ أَنْصُرْهُ خَدَايَا بِهِ دَرَاغَاتٍ پوزش می‌طلبم در مورد ستم‌دیده‌ای که در حضور من به او ستم شد و من یاری‌اش نکردم». (صیحه سجاده، دعای ۲۵)

بایسته توجه است که دفاع از مستضعفان و مظلومان از سنخ تکالیف زمان‌مند نیست. بنابراین اگر چه دفاع از مظلوم و بلکه هر عمل واجب مشروط به توانایی و قدرت بر انجام آن است؛ لکن باید توجه داشته باشیم که اصل اولی بر وجوب دفاع از مظلوم - اعم از مسلمان و غیر مسلمان - است. و در واقع عدم توانایی بر انجام تکلیف، مسقط همیشگی و کلی تکلیف نخواهد بود. و به صرف توانایی و قدرت و به هر میزان که در توان دولت اسلامی باشد، باید این تکلیف انجام شود.

## نتیجه

مرزبندی با دشمنان و حفظ ارزش‌های ملی و انقلابی که همان ارزش‌های مورد تأیید اسلام است که به عنوان یکی از اصول و محورهای اصلی در حوزه روابط بین‌الملل اسلامی مطرح شده است. مرزبندی با دشمنان و حفظ ارزش‌های انقلابی و اسلامی در حوزه تعاملات خارجی، تکلیفی الهی و شرعی است. دشمن در آموزه‌های اسلامی دولت‌های مستکبری است که در جبهه باطل قرار گرفته و در صدد دشمنی و ضربه زدن به جبهه حق و تضعیف و استعمار سایر ملت‌هاست، اطلاق شده. مقام معظم رهبری از این دولت‌ها با عنوان نظام سلطه یاد کرده‌اند.

مرزبندی با دشمنان - یعنی نظام سلطه - اگر چه مستند به عقل سلیم و منبعث از قانون اساسی جمهوری اسلامی است، مستنبط از متون قرآنی و روایی نیز می‌باشد. مرزبندی و حفظ ارزش‌های انقلابی و ملی بر چهار محور اصلی، یعنی عدم سازش و مقاومت در برابر خواست و اهداف نظام سلطه، عدم اعتماد و رکون به آن، استقلال طلبی بر اساس اصل عزت، مصلحت و حکمت که در سه حوزه اقتصاد، فرهنگ و سیاست نمایان می‌شود و نهایتاً حمایت از مستضعفان و مظلومان جهان استوار است.

## پی‌نوشت‌ها

۱. «به حکم آیه شریفه لاینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین ولم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین. دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان، با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل، در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند».
۲. «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، براساس نفی هرگونه سلطه جویی و سلطه پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرتهای سلطه گر و روابط صلح آمیز متقابل با دول غیرمحارب استوار است».
۳. حدیث به لحاظ سندی صحیح است. لازم به ذکر است که مرحوم کلینی در اینجا شش روایت را که مضمونا مشابه یکدیگر هستند، بیان نموده است. شش روایت مذکور حداقل موثقه هستند. البته اگر دو روایتی را که در سلسله سند آن عثمان بن عیسی قرار دارد، صحیح بدانیم، تمام شش روایت صحیح السند خواهند بود.

## کتابنامه

- صحیفه سجادیه، ۱۳۷۶ ش، قم: نشر الهادی.
- آلوسی، محمود، ۱۴۱۵ ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن ادريس حلی، محمد بن منصور، ۱۴۱۳ ق، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: جامعه مدرسین، چ دوم.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، لسان العرب، بیروت: دارالفکر، چ سوم.
- ایروانی، باقر، ۱۴۲۷ ق، دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی، قم: بی نا، چ دوم.
- بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی
- بیانات و سخنرانی‌های مقام معظم رهبری در مناسبت‌های مختلف
- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
- \_\_\_\_\_، ۱۴۱۴ ق، هدایه الامه، مشهد: آستان قدس رضوی.
- حسینی زبیدی، سید محمد مرتضی، ۱۴۱۴ ق، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر.
- حلی، جمال‌الدین احمد بن محمد، ۱۴۰۷ ق، المهدب البارع فی شرح مختصر النافع، قم: جامعه مدرسین.
- حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۹ ق، نهاییه الاحکام فی معرفه الاحکام، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
- \_\_\_\_\_، ۱۴۱۳ ق، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، قم: جامعه مدرسین.
- حلی، مقداد بن عبدالله، بی تا، کنز العرفان فق فقه القرآن، ترجمه عبدالرحیم عقیقی، قم: قدس.
- خامنه‌ای (رهبر معظم انقلاب)، سید علی، ۱۴۱۸ ق، المهادنه، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.
- خمینی (امام)، سید روح الله، ۱۴۱۸ ق، کتاب البیع (تقریرات خرم‌آبادی)، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، مفردات ألفاظ القرآن، مصحح صفوان عدنان داوودی، بیروت: دارالعلم.
- زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتاب العربی، چ سوم.



سبحانی، جعفر، ۱۴۲۴ق، ارشاد العقول الی مباحث الاصول، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.  
شحاته، محمود، ۱۴۲۱ق، تفسیر القرآن الکریم، قاهره: دارغریب.  
صدوق، محمدبن علی، ۱۴۱۳ق، من لا یحضره الفقیه، قم: جامعه مدرسین.  
طباطبائی، محمدحسین، ۱۳۹۰ق، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه اعلمی، چ دوم.  
طباطبائی، سید علی بن محمد، بی تا، ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل، قم:  
آل‌البت علیهم السلام.

طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، چ سوم.  
طبرسی، احمد بن علی، ۱۴۰۳ق، الاحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد: نشر مرتضی.  
طریحی، فخرالدین، ۱۴۱۶ق، مجمع البحرین، تهران: کتاب فروشی مرتضوی، چ سوم.  
طوسی، محمد بن حسن، بی تا، التبیان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.  
عاملی، سید جواد، ۱۴۱۹ق، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، قم: جامعه مدرسین.  
عراقی، ضیاء الدین، ۱۴۲۰ق، مقالات الاصول، قم: مجمع الفکر الاسلامی.  
فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶ق، محمد، اجوبه السائلین، قم: دفتر آیت الله فاضل.  
فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۱۵ق، تفسیر الصافی، تهران: مکتبه الصدر.  
فیومی، احمد بن محمد مقرئ، بی تا، مصباح المنیر، قم: موسسه دارالرضی.  
قرشی، سید علی اکبر، ۱۴۱۲ق، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.  
قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۳ش، تفسیر القمی، قم: دارالکتاب.  
کرکی، علی بن حسین، ۱۴۱۴ق، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: موسسه آل‌البت علیهم السلام.  
کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ دوم.  
مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸ش، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و  
ارشاد اسلامی.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۲۴ق، کتاب النکاح، قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب علیه السلام.  
موسوی بجنوردی، سید حسن، ۱۴۱۹ق، القواعد الفقهیه، قم: الهادی.  
نائینی، محمد حسین، ۱۳۵۲ش، اجود التقریرات، قم: عرفان.  
نراقی، احمد بن محمد، ۱۴۱۵ق، مستند الشیعه فی احکام الشریعه، قم: موسسه آل

